یادداشت

# سفیران خاموش؛ دیپلماسی نرم و قدرت رویدادهای فرهنگی

نقش فرهنگ در جهان پیچیده امروز

علیرضا موشمند

جهان امروز، بیش از هر زمان دیگری، شاهد تحولات سیاسی و اقتصادی سریع و پیچیده است. در این فضای متلاطم، تنها کشورهایی موفق به کسب جایگاهی رفیع می‌شوند که بتوانند از قدرت نرم خود به‌خوبی استفاده کنند. دیپلماسی نرم، به‌ویژه از طریق فرهنگ، به کشورهای مختلف این امکان را می‌دهد که به‌جای جنگ و زور، از طرق جاذبه‌های فرهنگی و هنری، روابط دوستانه و اعتمادآمیز با دیگر ملت‌ها برقرار کنند. در این میان، ایران با تاریخی چندهزارساله و فرهنگی غنی، دارای ظرفیت‌های بی‌نظیری است که اگر به‌درستی از آنها استفاده شود، می‌تواند تأثیرگذاری جهانی خود را به‌مراتب افزایش دهد.

## دیپلماسی نرم؛ بلی به سوی هویت ملی

هویت ملی هر کشور مانند یک ریشهٔ عمیق است که از دل تاریخ، فرهنگ و ارزش‌های آن ملت تغذیه می‌کند. این هویت می‌تواند سفیری خاموش باشد که بدون نیاز به سخن‌گفتن، پیام‌های عمیق و تاثیرگذاری را به دیگر ملت‌ها مخابره کند. دیپلماسی نرم، که جوزف نای آن را به‌عنوان «توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق جذابیت‌های فرهنگی و ارزشی» تعریف می‌کند، از همین هویت ملی نشئت می‌گیرد. تصور کنید هر رویداد فرهنگی یک فرصت طلایی است تا ایران به جهانیان نشان دهد که چه فرهنگی زیبا، اصیل و انسانی‌ای دارد. درواقع، هر نمایشگاه، جشنواره یا جشن فرهنگی می‌تواند هویت ملی ایران را در بهترین شکل ممکن به نمایش بگذارد و تصویری مثبت از کشورمان در ذهن جهانیان خلق کند.

## رویدادهای فرهنگی؛ دریچه‌ای به جهان

کشورهای مختلف با استفاده از رویدادهای فرهنگی توانسته‌اند هویت ملی خود را در سطح جهانی برجسته کنند و از مزایای اقتصادی آن بهره‌مند شوند. یکی از بهترین نمونه‌ها، نمایشگاه بین‌المللی اکسپو است. برای مثال، در اکسپوی ۲۰۱۵ میلان، کشورهای شرکت‌کننده از جمله ایران، با برپایی غرفه‌های خلاقانه و برگزاری رویدادهای فرهنگی متعدد، به نمایش فرهنگ و هنر خود پرداختند. این نمایشگاه نه‌تنها به تحکیم هویت ملی کشورها کمک کرد، بلکه با جذب بیش از ۲۱ میلیون بازدیدکننده از سراسر جهان، به اقتصاد ایتالیا هشت میلیارد یورو اضافه کرد. در سطحی دیگر، جشنواره‌های سینمایی بین‌المللی نظیر جشنواره فیلم کن در فرانسه، نشان می‌دهد چگونه یک رویداد هنری می‌تواند هویت فرهنگی یک کشور را به مرکز توجه جهانیان بیاورد. این جشنواره نه‌تنها محلی برای نمایش بهترین آثار سینمایی است، بلکه فرصتی است برای تبادل فرهنگی و معرفی فرهنگ غنی کشورها به دنیا.

## نمونه‌هایی از موفقیت‌های فرهنگی در منطقه MENA

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) نیز در سال‌های اخیر شاهد رشد و گسترش رویدادهای فرهنگی بوده است. برای نمونه، عربستان سعودی با سرمایه‌گذاری گسترده در برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری نظیر جشنواره فیلم دریای سرخ، تلاش دارد تا جایگاه خود را به‌عنوان یک مرکز فرهنگی مطرح کند. این برنامه‌ها به‌عنوان بخشی از استراتژی‌های بلندمدت این کشورها برای برندسازی ملی و جذب سرمایه‌گذاری بین‌المللی طراحی شده‌اند.

## چالش‌ها و فرصت‌ها؛ ایران در آستانه یک تحول فرهنگی

ایران با داشتن تاریخ و فرهنگی غنی و متنوع، دارای پتانسیل فراوانی برای بهره‌برداری از رویدادهای فرهنگی در راستای تقویت دیپلماسی نرم و برندسازی ملی است. با این‌حال، تاکنون نتوانسته‌ایم به‌طور مؤثر از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم. یکی از دلایل اصلی این ناکامی، نبود استراتژی‌های منسجم و بلندمدت است. همچنین با توجه به آشنایی با نتیجه بررسی حاکی از اهمیتی که این دو و آثار و مقالات علمی ایشان تحریر شده است. نتیجه بررسی حاکی از اهمیتی که این دو و آثار و مقالات علمی ایشان تحریر شده است. بودن زیرساخت‌ها که مبتنی بر پذیرش اعتماد بازار، رفاه و همزمان نقش مهم دولت در توسعه با فراهم‌سازی قواعد بازار و تنظیم‌گری و پیشگیری و جبران اثرات زیان‌بار ناکارایی بازار و آثار اجتماعی آن است. با توجه به اقتصاناات و ماموریت‌های وزارتخانه خود، انعطاف و درجه اعتراضات سال ۱۴۰۰ را سبب شد. چهارم که قطعا مهمترین و فراگیرترین جنبه رویکرد سیاسی پزشکیان را در بر می‌گیرد، وعده‌هایی است که او در تحقق عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت معیشتی گروه‌های گسترده‌ای از مردم داده است که عمدتا به واسطه سوءمدیریت و تحریم‌ها شمار کثیری از ایرانیان به خط فقر نزدیک یا از آن عبور کرده‌اند.

نکته برجسته‌ای که دراین‌میان حائز اهمیت است. این است که تحقق این وعده‌ها، به‌ویژه تامین عدالت اجتماعی و رشد پایدار اقتصادی که متأسفانه در گفتمان سیاسی این دولت و در عمل متعاقب شانسانه شده‌اند، بدون داشتن یک چهارچوب و چارچوب نظری که راهنمای عمل مجموعه دولت در سیاست‌گذاری‌ها باشد. دشوار و حتی ناممکن به نظر می‌رسد. به‌همین‌دلیل برای دولت جدید داشتن الگوی اقتصادی-رفاهی متوازن و تعریف‌شده‌ای که به‌هم‌پیوستگی سیاست‌ها و رفع‌مانعی را که انتظار می‌رود به مورد اجرا گذاشته شوند، تعریف و تضمین کند و از بروز تضاد و تناقض در سیاست‌گذاری‌ها جلوگیری کند، از راهبردی‌ترین ضرورت‌هاست. قرارگرفتن این موضوع در دستور کار تیم راهبری دولت موجب جلوگیری از سردرگمی و نیز اتلاف منابع و انرژی‌ها و بلارفتن راندمان، سرعت عمل و هم‌گرایی در سیاست‌گذاری‌ها خواهد شد.

در مبارزات انتخاباتی به‌درستی بر نقش گروه‌های کارشناسی در تدوین الگوها و برنامه‌ها در سیاست‌گذاری‌ها تاکید شد. اما لازمه موفقیت کار کارشناسانه در تعیین اهداف و جهت‌گیری‌ها برای رفاه و رشد پایدار اقتصادی، داشتن الگوی تجربه‌شده سیاسی است که بر پایه آنها بتوان اولویت‌ها را تعریف و مشخص کرد. در غیراین‌صورت هر گروه کارشناسی با حتی در درون هر گروه از کارشناسان، آنها بسته به میل و سلیقه سیاسی خود و پیش‌فرض‌هایی که دارند، الگوها و راه‌حل‌های خود را ارائه می‌دهند که می‌تواند در تضاد و تعارض با هم یا حتی با رویکردهای دولت در حوزه‌های دیگر قرار گیرد. این موضوع به‌ویژه درباره دولت پزشکیان که ماهیتی ملی و فراگیر دارد (نه و نه حزبی) و خود را صریحا متعلق به طیف مشخصی در محور مختصات سیاسی، مثلا چپ یا راست، سوسیال‌دموکرات، سوسیال‌لیبرال یا محافظه‌کار نمی‌داند، بسیار حیاتی و تاثیرگذار خواهد بود.

بر همگان روشن است که در مبارزات انتخاباتی گروه‌های اجتماعی با خاستگاه‌های مختلف از پزشکیان حمایت کردند و هریک از طن خود را پا او شدند و حالا همه این گروه‌ها انتظار تحقق مطالبات خود را دارند؛ بنابراین پزشکیان و تیم حامی او چاره‌ای ندارند تا چنین‌اندار و جهت‌گیری کلی وعده داده‌شده را در قالب الگویی که اجزای آن متناسب با هم و به هم پیوسته باشد و در یک گفتمان شناخته‌شده پذیرفتنی و قابل ارائه باشند. سازمان‌دهی و منسجم باشد.

برای تعیین الگوی سیاست‌گذاری دولت پزشکیان تاکنون شیخ صمیم که ملاک را وعده‌های انتخاباتی او و مجموعه آنچه برای نزدیک او ارائه داده‌اند و همچنین توقعات حامیان و پایگاه رای او قرار دهیم. البته چون رویکرد او در مبارزات انتخاباتی احترام به خواست ملت بوده، مطالبات و خواسته‌های گسترده شهروندانی که در انتخابات شرکت نکردند اما امیدوار به پیروزی او بودند یا حتی آن بخش از جامعه که با او مخالف بودند اما پزشکیان خود را به رعایت حقوق آنها هم وفادار می‌داند نیز می‌توانند در تعیین الگوی سیاست‌گذاری دولت و تاثیرگذار باشند. با ملاک قراردادن چهار هدف مهم سیاسی که در گفتمان پزشکیان برجستگی داشتند، یعنی توسعه اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد، حصول عدالت اجتماعی از طریق توزیع عادلانه ثروت و رفاه، مبارزه با فقر و شکاف طبقاتی، رعایت آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی و گسترش همکاری و مبادلات اقتصادی با جهان، امکان تعیین چارچوبی که قابل تعریف و قابل انسجام باشد، قدری راحت‌تر خواهد شد. به برداشت این نگارنده، اگر گفتمان پزشکیان را با آنچه در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی تعریف شده و معمول در دموکراسی‌های نهادینه‌شده است سنجش کنیم، می‌توانیم آن را در محدوده‌ای بین سوسیال‌لیبرالی و سوسیال‌دموکراسی با تمایل بیشتر به سوسیال‌دموکراسی تعریف کنیم.

درباره مفهوم این دو الگو به طور خلاصه می‌توان گفت که در هر دوی اینها توسعه اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد پذیرفته و توصیه شده و طبق این دو الگو اصول عرصه اقتصادی حوزه‌ای دانسته می‌شود که دولت به طور مستقیم در آن فعال نیست. وظیفه دولت در هر دوی این الگوها تمرکز بر سیاست‌گذاری در تأمین حقوق اجتماعی شهروندان است که عمدتا برنامه‌های گوناگون وزارتی را در بر می‌گیرد. اما نقطه افتراق این دو در کیفیت و کمیت مداخله دولت در تأمین و مدیریت برنامه‌های رفاهی است. درحالی‌که سوسیال‌لیبرال‌ها تکامی حداقلی به مسئولیت دولت در تأمین رفاه اجتماعی شهروندان دارند و بر این باورند که تنها گروه‌های آسیب‌پذیر تحت پوشش قرار گیرند، سوسیال‌دموکرات‌ها نگاه حداکثری به رفاه اجتماعی دارند و برنامه‌های رفاهی جامع‌تری را برای همه شهروندان تدارک می‌بینند. آن‌طور که از تجربه دو سال عملکرد دولت‌های رفاه (عمدتا سوسیال‌دموکرات) برمی‌آید و حتی در نظریه‌های مربوط به نظام رفاهی ایدئال سوسیال‌دموکراتیک، مثلا در آثار یوستا اسپینگ آندرسن یا ریچارد تیتموس آر تن تاکید می‌شود، مهم‌ترین وظیفه دولت رفاه، تأمین امنیت شهروندان در مراحل و موقعیت‌هایی در زندگی است که به دلایل گوناگون در بازار کار فعال نیستند. بیرون‌بودن از بازار کار به این مفهوم است که شهروند به دلایل گوناگون به طور موقت یا حتی در دوره‌ای طولانی‌تر در بازار کار اشتغال ندارد و بنابراین از درآمد حاصل از کار یا فعالیت اقتصادی محروم است. دوری شهروند از بازار کار البته با به سوسیال مربوط می‌شود. مثلا اینکه در دوران کودکی یا سالمندی دوری از بازار کار اجتناب‌ناپذیر است یا موانع کنترل‌ناپذیر دیگر، مانند رکود اقتصادی (که به افزایش بی‌کاری می‌انجامد) یا دلایل فردی (مثلا بیماری یا ازکارافتادگی) شهروند شرایط اشتغال و تأمین معاش خود را ندارد. به بیان دیگر، از منظر سوسیال‌دموکرات‌ها، وظیفه و مسئولیت دولت آن است که کاستی‌ها و بیامدهای نامطلوبی را که ساختار اقتصادی مبتنی بازار آزاد می‌تواند برای گروه‌های آسیب‌پذیر به همراه داشته باشد، پوشش دهد؛ بنابراین اگر مفهوم عدالت در اینجا شرکت نکردند اما امیدوار به پیروزی او بودند یا حتی آن بخش از جامعه که با او مخالف بودند اما پزشکیان خود را به رعایت حقوق آنها هم وفادار می‌داند نیز می‌توانند در تعیین الگوی سیاست‌گذاری دولت و تاثیرگذار باشند. با ملاک قراردادن چهار هدف مهم سیاسی که در گفتمان پزشکیان برجستگی داشتند، یعنی توسعه اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد، حصول عدالت اجتماعی از طریق توزیع عادلانه ثروت و رفاه، مبارزه با فقر و شکاف طبقاتی، رعایت آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی و گسترش همکاری و مبادلات اقتصادی با جهان، امکان تعیین چارچوبی که قابل تعریف و قابل انسجام باشد، قدری راحت‌تر خواهد شد. به برداشت این نگارنده، اگر گفتمان پزشکیان را با آنچه در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی تعریف شده و معمول در دموکراسی‌های نهادینه‌شده است سنجش کنیم، می‌توانیم آن را در محدوده‌ای بین سوسیال‌لیبرالی و سوسیال‌دموکراسی با تمایل بیشتر به سوسیال‌دموکراسی تعریف کنیم.

در این زمینه، با رصدکردن گفتمان مسلط در عرصه سیاست ایران، آنچه جلب توجه می‌کند، شکافی است که در این چند دهه اخیر بیش در ادوگاه فکری، یکی رویکرد دولت‌گرای راستی و دیگری رویکرد نئولیبرالی به طور آشکار مشاهده می‌شود. این تذکرش که از دهه ۷۰ خورشیدی در رقابت با هم بوده‌اند، همچنان مطرح هستند. البته الگوی دولت‌گرای راستی به دلیل ناکارآمدی، اعتبار خود را به میزان زیادی از دست داده است. اما از سوی دیگر، الگوی نئولیبرالی با وجود اقبالی که در این بخشی از اقتصاددانان و البته مدیران صنعتی و اقتصادی دارد، به دلیل ماهیت ایدئولوژیک و ناسازگاری راهکارهای آن که صرفا روی آوردن به بازار کاملا آزاد را مسخه بحران‌های ایران می‌دانند و بیرای نیازهای مبرم اجتماعی-رفاهی برنامه مقبولی ارائه نداده‌اند، عمدتا بین طبقات مرفه جامعه حامیانی دارند. نارسایی رویکرد نئولیبرالی در تأمین حقوق اجتماعی-رفاهی اکثریت شهروندان که روند نزولی را در جایگاه طبقاتی خود تجربه کرده‌اند، یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در کرایش چشمگیر افکار عمومی به گفتمان عدالت‌خواهی بوده که پیروزی پزشکیان را تحقق بخشید به توجه او به این گفتمان مربوط بوده است. در هر حال، به نظر می‌رسد باور مدعیان رویکرد نئولیبرالی، به‌ویژه در میان اقتصاددانان ایران که عمدتا تأثیرپذیرفته از نظریه‌پردازان کلاسیک نئولیبرال در اروپا و آمریکا، مانند فریدریش فن هایک یا میلتون فریدمن هستند، بیش از آنکه به واسطه ضرورت‌های واقعی جامعه و اقتصاد ایران باشد، ناشی از ضدیتی است که در آنها دربارهٔ الگوی اقتصادی دولت‌گرای راستی پدید آمده است. به بیانی دیگر، از آنجایی که اقتصاد سیاسی ایران با الگوی دولت متمرکز راستی عجین شده است، بسیاری از اقتصاددانان معالجه اقتصاد بیمار ایران در را کوچک و حداقلی‌کردن دولت می‌دانند. زیرا بر این تصور هستند که کوچک‌شدن دولت به طور طبیعی به تضعیف نظام راستی منجر می‌شود. در پروژه آنها، این واقعیت که اصولا تضعیف دولت راستی و بنگاه‌های خصولتی و جایگزینی آنها با بخش خصوصی آزاد و پویا رخدادی نیست که بتواند یک شبه صورت بگیرد، بلکه محصول روندی بلندمدت خواهد بود، مورد توجه جدی قرار نمی‌گیرد.

علی حاجی‌قاسمی*

در الگوی سوسیال‌دموکراتیک توسعه که به نظر می‌رسد زمینه‌های گسترش آن در ایران مهیاتر از هر زمان دیده باشد، روند تقویت بخش خصوصی از پایه‌ای‌ترین اقدامات دانسته می‌شود. در چارچوب اندیشگی سوسیال‌دموکراسی همچنین تردیدی وجود ندارد که رشد و گسترش بخش خصوصی بدون تضعیف عوامل دولت رانتی در اقتصاد، به‌ویژه بنگاه‌های خصولتی، اصولا امکان‌پذیر نخواهد بود. مهم‌ترین عامل این ضرورت، شرایط نابرابر رقابتی است که بنگاه‌های خصوصی به دلیل برخورداری از مزایای رانتی نسبت به بنگاه‌های کاملا خصوصی از آن برخوردار هستند؛ اما تقویت بخش خصوصی به‌تنهایی تضمین‌کننده رفاه عمومی نخواهد بود. به‌موازات تقویت بخش خصوصی در اقتصاد، دولت دموکراتیک توسعه‌گرا البته می‌بایست خود را ملزم به ایجاد، تقویت یا اصلاح سیاست‌های رفاهی برای توانمندسازی تمامی آحاد جامعه، نه صرفا گروه‌های آسیب‌پذیر، بداند. علت اصلی تمایل سوسیال‌دموکراسی به انجام رفرم‌هایی که خدمات رفاهی را به عموم شهروندان اختصاص می‌دهد و نه اینکه صرفا گروه‌های خاصی (آسیب‌پذیر) را هدف برنامه‌های رفاهی قرار دهد، جلوگیری از برچسب‌خوردن دهک‌های پایینی برخوردار از این خدمات، تحت عنوان «سربار جامعه» است. به بیانی دیگر، اگر میزان خدماتی که به دهک‌های پایین تعلق می‌گیرد جشمگیر باشد، این امر می‌تواند نارضایتی لایه‌های مرفه‌تر طبقه متوسط را سبب شود که هزینه‌بردوش گروه‌های تحت پوشش برنامه‌های رفاهی را عامل کندی روند توسعه قلمداد کنند؛ امری که در دولت‌های رفاه لیبرالی که برنامه‌های رفاهی حداقلی را برای دهک‌های پایینی در دستور کار داشته‌اند، مشاهده شده است. همین امر در این جوامع موجب کاهش حمایت عمومی از برنامه‌های رفاهی شده است.

برنامه‌های رفاهی برای توانمندسازی عموم شهروندان، در کشوری با استانداردها و سطح پیشرفت ایران و امکانات و منابع بالقوه آن و همچنین انتظارات عمومی از دولت، عمدتا در این حوزه‌ها الزامی است: بهداشت و درمان عمومی، آموزش و پرورش رایگان کودکان و جوانان در همه مقاطع تحصیلی، ایجاد مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای به‌منظور کارآموزی و به‌روزکردن دانش و تجربه نیروی کار، ایجاد شرایط مساوی برای توانمندسازی زنان در جامعه و اشتغال آنها در بازار کار، تعیین حقوق بازنشستگی همگانی برای همه شهروندان (حتی برای سالمندانی که تحت پوشش بیمه‌های بازنشستگی نبوده‌اند)، حمایت از شهروندان برای برخورداری از مسکن مناسب و مقاوم، ضرورت بازنگری طرح حداقل‌دستمزد بازنه‌ها و فراهم‌کردن تمهیدات قانونی لازم برای استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری و کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی، اصلاح نظام یارانه‌ها با رویکرد تأمین درآمد خانوارهای کم‌درآمد از طریق پرداخت یارانه‌ها با ریوکرد تأمین یارانه‌ای، اعطای یارانه تسهیلات تولیدی و اشتغال‌زا در جهت رونق تولید، حمایت از تحریک‌پذیری از در مقابل شوک‌درمانی قبول دارد و معتقدند باید بین جامعه و بازار هماهنگی و همراهی لازم وجود داشته باشد تا اصلاحات موفق شود.

احمد میدری و عبدالناصر همتی تا چه حد در کنار یکدیگر معنا می دهند

# درجه هماهنگی وزارت رفاه و اقتصاد

یعقوب اندایش

رئیس انجمن اقتصاددانان ایران

این یادداشت به منظور بررسی درجه هماهنگی تیم اقتصادی پیشنهادی دولت چهاردهم صورت گرفته است و مبنای آن برنامه‌هایی بوده که از سوی دکتر احمد میدری و دکتر عبدالناصر همتی به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. همچنین با توجه به آشنایی با رویکردهای فکری این دو و آثار و مقالات علمی ایشان تحریر شده است. نتیجه بررسی حاکی از اهمانگی بالا در رویکردهای برنامه‌های ارائه‌شده این دو وزارتخانه است که مبتنی بر پذیرش اعتماد بازار، رفاه و همزمان نقش مهم دولت در توسعه با فراهم‌سازی قواعد بازار و تنظیم‌گری و پیشگیری و جبران اثرات زیان‌بار ناکارایی بازار و آثار اجتماعی آن است. با توجه به اقتصاناات و ماموریت‌های وزارتخانه خود، انعطاف و درجه اعتراضات سال ۱۴۰۰ را سبب شد. چهارم که قطعا مهمترین و فراگیرترین جنبه رویکرد سیاسی پزشکیان را در بر می‌گیرد، وعده‌هایی است که او در تحقق عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت معیشتی گروه‌های گسترده‌ای از مردم داده است که عمدتا به واسطه سوءمدیریت و تحریم‌ها شمار کثیری از ایرانیان به خط فقر نزدیک یا از آن عبور کرده‌اند.

نکته برجسته‌ای که دراین‌میان حائز اهمیت است. این است که تحقق این وعده‌ها، به‌ویژه تامین عدالت اجتماعی و رشد پایدار اقتصادی که متأسفانه در گفتمان سیاسی این دولت و در عمل متعاقب شانسانه شده‌اند، بدون داشتن یک چهارچوب و چارچوب نظری که راهنمای عمل مجموعه دولت در سیاست‌گذاری‌ها باشد. دشوار و حتی ناممکن به نظر می‌رسد. به‌همین‌دلیل برای دولت جدید داشتن الگوی اقتصادی-رفاهی متوازن و تعریف‌شده‌ای که به‌هم‌پیوستگی سیاست‌ها و رفع‌مانعی را که انتظار می‌رود به مورد اجرا گذاشته شوند، تعریف و تضمین کند و از بروز تضاد و تناقض در سیاست‌گذاری‌ها جلوگیری کند، از راهبردی‌ترین ضرورت‌هاست. قرارگرفتن این موضوع در دستور کار تیم راهبری دولت موجب جلوگیری از سردرگمی و نیز اتلاف منابع و انرژی‌ها و بلارفتن راندمان، سرعت عمل و هم‌گرایی در سیاست‌گذاری‌ها خواهد شد.

در مبارزات انتخاباتی به‌درستی بر نقش گروه‌های کارشناسی در تدوین الگوها و برنامه‌ها در سیاست‌گذاری‌ها تاکید شد. اما لازمه موفقیت کار کارشناسانه در تعیین اهداف و جهت‌گیری‌ها برای رفاه و رشد پایدار اقتصادی، داشتن الگوی تجربه‌شده سیاسی است که بر پایه آنها بتوان اولویت‌ها را تعریف و مشخص کرد. در غیراین‌صورت هر گروه کارشناسی با حتی در درون هر گروه از کارشناسان، آنها بسته به میل و سلیقه سیاسی خود و پیش‌فرض‌هایی که دارند، الگوها و راه‌حل‌های خود را ارائه می‌دهند که می‌تواند در تضاد و تعارض با هم یا حتی با رویکردهای دولت در حوزه‌های دیگر قرار گیرد. این موضوع به‌ویژه درباره دولت پزشکیان که ماهیتی ملی و فراگیر دارد (نه و نه حزبی) و خود را صریحا متعلق به طیف مشخصی در محور مختصات سیاسی، مثلا چپ یا راست، سوسیال‌دموکرات، سوسیال‌لیبرال یا محافظه‌کار نمی‌داند، بسیار حیاتی و تاثیرگذار خواهد بود.

بر همگان روشن است که در مبارزات انتخاباتی گروه‌های اجتماعی با خاستگاه‌های مختلف از پزشکیان حمایت کردند و هریک از طن خود را پا او شدند و حالا همه این گروه‌ها انتظار تحقق مطالبات خود را دارند؛ بنابراین پزشکیان و تیم حامی او چاره‌ای ندارند تا چنین‌اندار و جهت‌گیری کلی وعده داده‌شده را در قالب الگویی که اجزای آن متناسب با هم و به هم پیوسته باشد و در یک گفتمان شناخته‌شده پذیرفتنی و قابل ارائه باشند. سازمان‌دهی و منسجم باشد.

برای تعیین الگوی سیاست‌گذاری دولت پزشکیان تاکنون شیخ صمیم که ملاک را وعده‌های انتخاباتی او و مجموعه آنچه برای نزدیک او ارائه داده‌اند و همچنین توقعات حامیان و پایگاه رای او قرار دهیم. البته چون رویکرد او در مبارزات انتخاباتی احترام به خواست ملت بوده، مطالبات و خواسته‌های گسترده شهروندانی که در انتخابات شرکت نکردند اما امیدوار به پیروزی او بودند یا حتی آن بخش از جامعه که با او مخالف بودند اما پزشکیان خود را به رعایت حقوق آنها هم وفادار می‌داند نیز می‌توانند در تعیین الگوی سیاست‌گذاری دولت و تاثیرگذار باشند. با ملاک قراردادن چهار هدف مهم سیاسی که در گفتمان پزشکیان برجستگی داشتند، یعنی توسعه اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد، حصول عدالت اجتماعی از طریق توزیع عادلانه ثروت و رفاه، مبارزه با فقر و شکاف طبقاتی، رعایت آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی و گسترش همکاری و مبادلات اقتصادی با جهان، امکان تعیین چارچوبی که قابل تعریف و قابل انسجام باشد، قدری راحت‌تر خواهد شد. به برداشت این نگارنده، اگر گفتمان پزشکیان را با آنچه در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی تعریف شده و معمول در دموکراسی‌های نهادینه‌شده است سنجش کنیم، می‌توانیم آن را در محدوده‌ای بین سوسیال‌لیبرالی و سوسیال‌دموکراسی با تمایل بیشتر به سوسیال‌دموکراسی تعریف کنیم.

سایر رویکردهای برنامه‌ای دکتر همتی که همسو با وزارت رفاه است، عبارت‌اند از: اصلاح حکمرانی اقتصادی، تقویت بخش خصوصی و کوچک‌سازی دولت (۱۹۲۷ تاکنون) یا نظریه‌پردازانی با رویکرد انضباطی، ایجاد رفاه سالم و افزایش کارایی، شفافیت و مبارزه با فساد، انتشار اطلاعات مالی و اقتصادی، تقویت نهادهای نظارتی و تنظیم‌گری، سرمایه‌گذاری در آموزش و پژوهش، ارتقای سطح دانش و مهارت، توجه به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه، توسعه پایدار و کاهش آلودگی محیط زیست، استفاده از شواهد، داده‌ها و تحلیل‌های آماری برای تصمیم‌گیری، درنظرگرفتن تاثیر مقابل سیاست‌ها بر همدیگر، مشارکت دانشگاه‌ها و جامعه مدنی در تصمیم‌گیری‌ها، ناکارآمدی توزیع یارانه‌ها در اقتصاد ایران، لزامه تغییر مسیر رفاهی عموم مردم، تحقق رشدهای اقتصادی بالا و پایدار و ضروری‌تر از هر سیاست جبرانی و حمایتی، ایجاد محیط تنظیم‌گری مناسب و غیررانتی در محیط اقتصادی کشور، توزیع عادلانه درآمد و فقرزدایی و افزایش حمایت‌های اجتماعی دولت، توسعه زیرساخت‌های ریلی، آب، برق و گاز طبیعی، توجه به کاهش نرخ بیسواد آنها، حذف زمینه‌های فساد از جمله قیمت‌گذاری‌های دستوری و امضاهای طلایی، توانمندسازی اقتصادی خانوارها و توسعه چترهای حمایتی، تضمین حقوق مالکیت برای تامین بیشتر امنیت و آرامش و نشاط‌بخشی، ایجاد احساس امنیت اقتصادی در جامعه از طریق ایجاد سازوکارهای گسترش حقوق مالکیت، فراهم‌کردن محیطی مناسب، شفاف و فرصت‌های برابر برای فعالان عرصه اقتصادی، مطلک‌شدن همه دستگاه‌های اجرایی به اطلاع‌رسانی هرگونه تغییر در سیاست‌ها، مطالعات و رویه‌های اقتصادی قوانین قبل از اجرا به وسیله رسانه‌های گروهی هستند (سیاست‌های غیر غافلگیرانه)، کاهش انحصارات دولتی در اقتصاد، ضرورت بازنگری طرح حداقل‌دستمزد بازنه‌ها و فراهم‌کردن تمهیدات قانونی لازم برای استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری و کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی، اصلاح نظام بازتوزیع یارانه‌ها با رویکرد تأمین درآمد خانوارهای کم‌درآمد از طریق پرداخت با خط فقر مطلق، حذف قاچاق کالاهای یارانه‌ای، اعطای یارانه تسهیلات تولیدی و اشتغال‌زا در جهت رونق تولید، حمایت از تحریک‌پذیری از در مقابل شوک‌درمانی قبول دارد و معتقدند باید بین جامعه و بازار هماهنگی و همراهی لازم وجود داشته باشد تا اصلاحات موفق شود.

دولت پزشکیان در سیاست‌گذاری رفاهی از چه الگویی پیروی می‌کند؟

# چهار ضلعی راهبردی رفاه

برنامه‌هایی که از سوی دکتر همتی برای تصدی وزارت اقتصاد و دارایی ارائه شده، نیز مبتنی بر پذیرش کارکرد نظام بازار و بخش خصوصی است. ایشان توسعه تولید را برای ایجاد اشتغال و کاهش فقر لازم می‌داند، ثبات اقتصادی، تورم پایین، رشد اقتصادی بالا، بی‌کاری پایین و توزیع مناسب درآمدها را در راستای کاهش فقر در اهداف خود ذکر کرده است. دیگر رویکردهای برنامه‌ای ایشان در هماهنگی کامل با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است و از سیاست‌های صرف تک‌بعدی اقتصادی بدون درنظرگرفتن جنبه‌های اجتماعی و عدالت پرهیز داشته‌اند؛ به نظر می‌رسد این دو وزارت دیدگاه‌های اصولی بسیار هماهنگی با هم دارند و نقطه متناقضی بین آنها وجود ندارد.

سایر رویکردهای برنامه‌ای دکتر همتی که همسو با وزارت رفاه است، عبارت‌اند از: اصلاح حکمرانی اقتصادی، تقویت بخش خصوصی و کوچک‌سازی دولت (۱۹۲۷ تاکنون) یا نظریه‌پردازانی با رویکرد انضباطی، ایجاد رفاه سالم و افزایش کارایی، شفافیت و مبارزه با فساد، انتشار اطلاعات مالی و اقتصادی، تقویت نهادهای نظارتی و تنظیم‌گری، سرمایه‌گذاری در آموزش و پژوهش، ارتقای سطح دانش و مهارت، توجه به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی، ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه، توسعه پایدار و کاهش آلودگی محیط زیست، استفاده از شواهد، داده‌ها و تحلیل‌های آماری برای تصمیم‌گیری، درنظرگرفتن تاثیر مقابل سیاست‌ها بر همدیگر، مشارکت دانشگاه‌ها و جامعه مدنی در تصمیم‌گیری‌ها، ناکارآمدی توزیع یارانه‌ها در اقتصاد ایران، لزامه تغییر مسیر رفاهی عموم مردم، تحقق رشدهای اقتصادی بالا و پایدار و ضروری‌تر از هر سیاست جبرانی و حمایتی، ایجاد محیط تنظیم‌گری مناسب و غیررانتی در محیط اقتصادی کشور، توزیع عادلانه درآمد و فقرزدایی و افزایش حمایت‌های اجتماعی دولت، توسعه زیرساخت‌های ریلی، آب، برق و گاز طبیعی، توجه به کاهش نرخ بیسواد آنها، حذف زمینه‌های فساد از جمله قیمت‌گذاری‌های دستوری و امضاهای طلایی، توانمندسازی اقتصادی خانوارها و توسعه چترهای حمایتی، تضمین حقوق مالکیت برای تامین بیشتر امنیت و آرامش و نشاط‌بخشی، ایجاد احساس امنیت اقتصادی در جامعه از طریق ایجاد سازوکارهای گسترش حقوق مالکیت، فراهم‌کردن محیطی مناسب، شفاف و فرصت‌های برابر برای فعالان عرصه اقتصادی، مطلک‌شدن همه دستگاه‌های اجرایی به اطلاع‌رسانی هرگونه تغییر در سیاست‌ها، مطالعات و رویه‌های اقتصادی قوانین قبل از اجرا به وسیله رسانه‌های گروهی هستند (سیاست‌های غیر غافلگیرانه)، کاهش انحصارات دولتی در اقتصاد، ضرورت بازنگری طرح حداقل‌دستمزد بازنه‌ها و فراهم‌کردن تمهیدات قانونی لازم برای استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری و کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی، اصلاح نظام بازتوزیع یارانه‌ها با رویکرد تأمین درآمد خانوارهای کم‌درآمد از طریق پرداخت با خط فقر مطلق، حذف قاچاق کالاهای یارانه‌ای، اعطای یارانه تسهیلات تولیدی و اشتغال‌زا در جهت رونق تولید، حمایت از تحریک‌پذیری از در مقابل شوک‌درمانی قبول دارد و معتقدند باید بین جامعه و بازار هماهنگی و همراهی لازم وجود داشته باشد تا اصلاحات موفق شود.

دیدگاه

# احمد میدری و ماراتن مبارزه با فقر و نابرابری

پیمان حقیقت‌طلب

یکی از پیش‌بینی‌پذیرترین کاندیداها برای وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی دولت چهاردهم، احمد میدری بود. او در مناظرات انتخاباتی به‌عنوان مشاور اقتصادی مسعود پزشکیان در برنامه‌های تلویزیونی ظاهر می‌شد. در نظر نگارنده احمد میدری چند ویژگی بارز دارد که باعث شده است او ممکن‌ترین فرد برای پست وزارت کار در وضعیت فعلی باشد؛ بویژه اصلی زندگی احمد میدری، شخصیت علمی و آکادمیک، درک عمیق از بخش‌های مختلف دولت، تجربه اجرائی طولانی‌مدت، حضور در ارکان مختلف تصمیم‌گیری کلان و عمل‌گرایی بی‌چون‌وچرا.

کسانی که پیگیر افکار و نوشته‌های احمد میدری هستند، می‌دانند پر